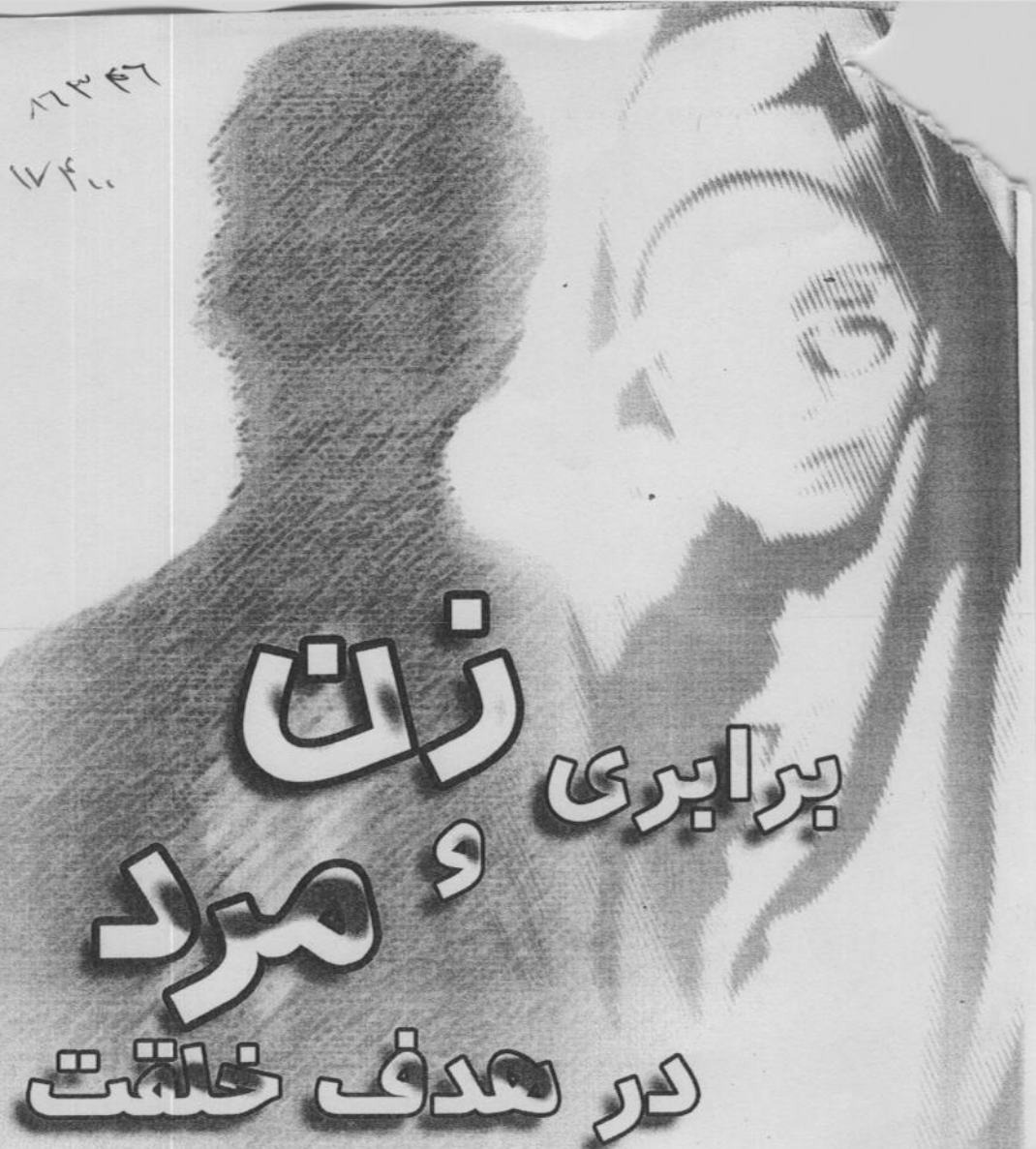


۱۷۴۰
۱۶۳۴



برابری زن و مرد در هدف خلقت

حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفی پور

به عبارت دیگر: خدای سبحان به مقتضای حکمتش در آفرینش جهان و انسان هدفی داشته و به مقتضای غنا و کمال لایتناهی داشتن هدف او از آفرینش چیزی نیست که به ذات او برگردد پس باید هدف او از خلقت جهان و انسان چیزی باشد که مایه کمال مخلوقات باشد. و در واقع موجودات را برای تکامل آن‌ها آفریده است. از این رو در آیات قرآن از عبث نبودن خلقت انسان سخن می‌گوید و می‌فرماید: «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون»^(۱) آیا گمان کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگشت نمی‌کنید و اگر انسان عبث و بیهوده خلق نشده است پس هدف از خلقت او چیست؟ قرآن کریم در آیات متعددی از هدف خلقت انسان سخن گفته است. در جایی می‌گوید: هدف خلقت آزمایش و امتحان انسان‌ها از نظر حسن عمل است، «الذی خلق الموت و الحیوة لیبیولکم ایکم احسن عملاً»^(۲) او کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند که کدامین بهتر عمل می‌کنند.

در جایی هدف خلقت را علم آگاهی از قدرت و علم الهی می‌داند و می‌فرماید: «اللّٰه الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلین یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان اللّٰه علی کل شیء قدیر و انّ اللّٰه قد احاط بکل شیء علماً»^(۳) خدا کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین نیز مانند آن خلق کرده است فرمان او در میان آن‌ها نازل می‌شود تا بدانید خدا بر هر چیز تواناست و علم او به همه موجودات احاطه دارد.

در برخی آیات هدف اصلی آفرینش را رحمت می‌داند و می‌فرماید: «ولوشاء ربّک لجعل الناس امة واحدة و لایزالون مختلفین الامن رحم ربّک و لذلک خلقهم»^(۴) اگر پروردگارت می‌خواست همه مردم را امت واحده و بدون هیچ گونه اختلاف قرار می‌داد ولی آن‌ها همواره مختلفند مگر آن‌چه پروردگارت رحم کند و برای همین رحمت آن‌ها را آفریده است. و از برخی آیات استفاده می‌شود که هدف آفرینش عبودیت و سرسپردگی و بندگی در برابر خدا است: «و ما خلقت الجنّ و الانس الا لیعبدون»^(۵) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.

با تأمل در این آیات و مفهوم آن استفاده می‌شود که این آیات هیچ ناسازگاری ندارد زیرا این اهداف، برخی مقدماتی و برخی متوسط و برخی هدف نهایی‌اند.

هدف اصلی همه، عبودیت و بندگی خداست و مسأله علم و دانش و امتحان و آزمایش

برای آفرینش او حکمتی است و از سوی دیگر هنگامی که به اجزاء و اعضای بدن خود می‌نگرد برای آن هدف و فلسفه‌ای می‌یابد: اگر خانه‌ای می‌سازد برای هدفی است، با توجه به این دو نکته است که انسان خداپرست و مؤمن می‌یابد که جهان آفرینش هدفی داشته و او باید بکوشد با نیروی عقل و علم آن را بیابد و آن را مشخص سازد و برای رسیدن به آن گام بردارد.

اما آیا خدای سبحان از آفرینش جهان هستی و از جمله انسان می‌خواهد نقصی را از خود برطرف کند یا نیازی از نیازهای خود را تأمین نماید با آن که او غنی مطلق و کامل مطلق است نه نقصی در او راه دارد و نه نیازی تا بخواهد با آفرینش جهان و انسان آن را بر طرف نماید.

با توجه به بی‌نیازی و کمال مطلق الهی او را برای رفع نیاز یا نقص نمی‌آفریند بلکه هدف آفرینش او پیشرفت و تکامل است و انسان‌ها نیز برای پیشرفت و تکامل آفریده شده‌اند.

این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که زن و مرد در هدف خلقت با هم برابر و یکسانند یا چنان که طبیعت در تسخیر انسان است و برای خدمت او آفریده شده است زن برای مرد خلق شده است و باید در خدمت مرد باشد، یا خیر؟ با مطالعه این مقاله پاسخ این پرسش را دریابید.

یکی از مهمترین پرسش‌هایی که هر کس از خود می‌پرسد آن است که ما برای چه آفریده شده‌ایم و هدف آفرینش انسان‌ها و آمدن آن‌ها به این جهان چیست؟ اگر ما انسان‌ها روی این کره خاکی زندگی نمی‌کردیم کجای عالم خراب می‌شد و چه مشکلی به وجود می‌آمد، آیا ما باید بدانیم چرا آمدیم و چرا می‌رویم؟

در جواب این سؤال می‌گوئیم: انسانی که خدا را شناخته و به او با اسماء و صفات حسناش معرفت پیدا کرده است جواب سؤال خود را به راحتی می‌یابد زیرا وی از یک سو می‌داند که خالق این جهان حکیم است، حتماً

اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند و رحمت و واسعۀ خداوند نتیجه این عبودیت است. پس هدف عبادتی است که نتیجه آن تکامل انسان است. در واقع عبودیت اوج تکامل یک انسان است زیرا عبودیت آخرین درجه خضوع در برابر معبود است و کسی در برابر معبود به تعظیم و خضوع می‌پردازد که به او نزدیک باشد پس کسی که در برابر معبود قرار می‌گیرد به او نزدیک است.

بنابراین عبودیت آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق ننشیند. جز در راه او گام بر ندارد و هرچه غیر اوست فراموش کند و در تمام زمینه‌ها مطیع او بوده و در برابر ذات پاک نهایت تسلیم را داشته باشد و این است هدف نهایی آفرینش انسان که خدا برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته و به او علم و آگاهی عنایت کرده تا در اقیانوس رحمت او غرق شود.

و انسانی که برای این هدف والا آفریده شد باید با اختیار و اراده خویش به سوی آن هدف گام بردارد.

■ پاسخ به یک سؤال

اگر خدا انسان‌ها را برای عبادت آفریده است پس چرا عده‌ای از انسان‌ها در مسیر کفر گام برمی‌دارند با این که اراده خدا بر عبودیت اوست؟ در جواب می‌گوییم: هدف از خلقت عبادت اجباری نبوده است بلکه هدف عبودیت همراه با اراده و اختیار است. در واقع خدای سبحان انسان را آفریده و زمینه را برای عبودیت و اطاعت و بندگی او فراهم ساخته و او را از درون و بیرون مجهز کرده است از درون به او عقل و فطرت و عواطف و قوای مختلف عنایت کرده و از بیرون پیامبران و کتب آسمانی و برنامه‌های تکاملی را برای او مهیا نموده است و این انسان است که خود باید از این زمینه‌ها و امکانات بهره‌برداری کرده و خود را به تکامل و قرب الهی نایل گرداند. با توجه به این که هدف خلقت انسان عبودیت خداست در این هدف بین زن و مرد تفاوتی نیست زیرا هر دو انسانند و هر دو از روح و فطرت الهی برخوردارند، زمینه‌های تکاملی از طرف خداوند در نهاد آن‌ها قرار داده شده است پس در این هدف خلقت هر دو یکسانند، اما برخی خواستند بگویند که زن و مرد در هدف خلقت برابر نیستند که در ادامه به این پندار پاسخ داده می‌شود.

■ خلقت موجودات بر انسان

بر اساس آموزه‌ها و تعالیم قرآن، انسان اشرف

مخلوقات نظام آفرینش است، از این رو خدای سبحان پس از بیان مراحل خلقت انسان و آفرینش او پس از ایجاد روح در او، با عنوان احسن الخالقین به خودش تبریک گفت و فرمود: «فتبارک الله احسن الخالقین»^(۶) و در جایی که از آفریده‌های دیگر و رابطه آن‌ها با انسان سخن می‌گوید می‌فرماید: «اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفَلَكَ فِيْهِ بَا مَرَةً وَلِتَسْتَبْتَوْا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لآيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ»^(۷) خدای سبحان همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیرید و شاید شکر نعمت‌هایش را بجا آورید، او آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته است، در این نشانه‌های مهمی است برای کسانی که اهل فکرند.

در سوره ابراهیم نیز فرمود: «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ انزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِى الْبَحْرِ بِاَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْاَنْهَارَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دٰثِيْنَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ»^(۸) خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آسمان آبی نازل کرده و با آن میوه‌های مختلف را خارج ساخت و روزی شما قرار داد و کشتی را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را نیز مسخر شما گرداند، خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند به تسخیر شما درآورد و شب و روز را نیز مسخر شما قرار داد.

از این آیات استفاده می‌شود که موجودات مختلف آسمان و زمین در تسخیر انسان قرار داده شده است و این نشان می‌دهد که انسان از دیدگاه قرآن آن قدر عظمت دارد که همه این موجودات به فرمان خدای سبحان مسخر او گشته‌اند یعنی با زمام اختیارشان به دست انسان است و یا در خدمت منافع انسان حرکت می‌کنند در هر حال آن قدر به او عظمت داده شده است که به صورت یک هدف عالی در مجموعه آفرینش درآمده است.

خورشید برای او نور افشانی می‌کند، انواع گیاهان را می‌رویانند و مسیر زندگی را به او نشان می‌دهد، ماه چراغ شبهای تاریک است، بادها کشتی‌ها را در سینه اقیانوس‌ها به حرکت در می‌آورند، نهرها در خدمت انسان هستند، زراعت هایش را آبیاری و دام هایش را سیراب و محیط زندگی اش را با طراوت می‌سازد.

تاریکی شب همچون لباسی او را می‌پوشاند و آرامش و راحتی را به او ارزانی می‌دارد و سرانجام روشنایی روز او را به حرکت و تلاش دعوت می‌کند و گرمی و حرارت می‌آفریند و در همه جا جنبش و حرکت ایجاد می‌کند.

ناگفته نماند از این آیات استفاده می‌شود که تسخیر در فرهنگ قرآن به دو معناست یکی در خدمت مصالح و منافع انسان بودن مانند تسخیر کشتی‌ها و دریاها. و این تسخیر موجودات از طرف خدای سبحان برای انسان نشانه شخصیت و ارزش و عظمت اوست. در سوره الرحمن نیز فرمود: «وَ الْاَرْضِ وَضَعَهَا لِلْاِنَامِ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَ النَّخْلَ ذٰتِ الْاَكْمَامِ وَ الْحَبَّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرِّيحَانَ»^(۹) و زمینی را برای خلائق آفریده در آن میوه‌ها و نخل‌های پر شکوفه است و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگ است که به صورت کاه و گیاهان خوشبو در می‌آید.

آری این کره خاکی به عنوان یک موهبت الهی در خدمت انسان است تا قرارگاه آرام و مطمئن برای انسان باشد و در آن از میوه‌ها و نخل‌ها و گیاهان خوشبو و معطر استفاده کنید. در سوره ملک فرمود: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ ذَلُوْلًا فَامشَوْا فِى مَنَاكِبِهَا وَ كَلُوا مِنْ رِزْقِهَا»^(۱۰) او کسی است که زمین را زام شما ساخت در جاده‌ها و طرق مختلف آن حرکت کنید و از رزق الهی که در آن آفریده شده است استفاده کنید.

با دقت در آیات فوق و آیاتی مانند آن دریافت می‌شود که در مقایسه طبیعت و انسان، وجود انسان اصل و محور است و طبیعت تبع او برای اوست و به اصطلاح طبیعت دارای وجود تبعی است و طبیعت برای انسان آفریده شده است.

■ یک پندار و جواب آن

برخی پنداشته‌اند چنان که طبیعت در خدمت انسان است زن نیز برای مرد آفریده شده و باید در خدمت مردان باشد و برای این منظور به آیه ۲۱ سوره روم استناد کرده‌اند آیه‌ای که می‌فرماید: «وَ مِنْ آيٰتِهٖ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لآيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ»^(۱۱) و از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد، در این امور نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند و در سوره اعراف نیز فرمود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَ

جعل منها زوجها ليسكن اليها»^(۱۳) اوست که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

از این آیات استفاده می‌شود که زن برای آسایش و آرامش مرد آفریده شده است پس اصل در حیات مردان اند و زنان برای مردان و طفیلی آنان‌اند.

در پاسخ به این پندار می‌گوییم:

اولاً کلمه ازواج جمع زوج است و زوج به معنای همسر می‌باشد و همسر بر هر یک از مرد و زن اطلاق می‌گردد و مخاطب این آیات عموم انسان‌ها هستند نه مردان، می‌توان فهمید که آرامش یاد شده امری دو سویه است به ویژه آن که در آیه سوره روم منشأ آرامش مرد در سایه انس به زن را مودت و رحمت می‌داند که خدای سبحان بین آن‌ها قرار داده است و از آن به عنوان آیات الهی یاد کرده است.

به راستی وجود همسران برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آن‌هاست یکی از مواهب الهی است و این آرامش از این جا سرچشمه می‌گیرد که این دو مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص است؛ مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: برای سود رساندن به شما از جنس خودتان همانندانی آفریده چرا که با همراهی جنس دیگر کارش به ثمر می‌رسد و با کار هر دو مسئله تولید مثل و تکثیر نسل به انجام می‌رسد. بر این اساس هر یک نقصی دارد که به قرین خود نیازمند است و از مجموع این دو یک واحد تام حاصل می‌شود و به جهت همین نیاز و نقص هر کدام به سمت دیگری حرکت می‌کند و زمانی که وصلت حاصل شد آرام می‌گیرد. زیرا هر ناقصی به کمال خود مایل است و هر نیازمندی به چیزی که رفع نیاز کند میل دارد. این همان میل جنسی است که در این دو قرین قرار داده شده است.^(۱۳)

و ثانیاً اگر مراد تنها آرامش مرد در سایه زن باشد و مرد نقشی در آرامش بخشی زن نداشته باشد و به تعبیر دیگر این آرامش یک سویه باشد. این خود نشان از ستایش زن است نه نشانه فروتری زن. زیرا در پرتو آن، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها از فکر و اندیشه مرد رخت برمی‌بندد و به نحو صحیح می‌تواند در کنار همسر خود نقش واقعی خود را ایفا کند.

در واقع منشأ گرایش مرد به زن به آرمیدن مرد کنار انس زن، مودت و رحمتی است که خدای متعال بین آنها قرار داده است و این مودت الهی و رحمت خدایی گرایش غریزی نر و

ماده نیست چرا که این گرایش غریزی در حیوان‌ها نیز موجود است ولی قرآن آن گرایش غریزی را آیه الهی نامیده است.

راز اصیل آفرینش زن، آرامش زن و مرد است نه گرایش غریزی و اطفاء نائره شهوت و خدای سبحان اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی اصل دانسته و مردان را مجذوب مهر زن معرفی کرده است و از این روست که زن محبوب رسول گرامی اسلام است.

با دقت در مطالب گفته شده استنتاج می‌شود که خلقت زن به منظور خدمت به مرد نیست بلکه یا هر دو در کنار یکدیگر به آرامش برسند یا در واقع زن را محور ستایش قرار می‌دهد که با استفاده از مودت در جهت الهی مایه آرامش مرد باشد که او بهتر بتواند نقش خود را در جامعه و خانواده ایفا کند.

■ زن عامل بقاء نوع بشر

زن در نظام هستی وظیفه خطیر تکثیر نسل را عهده دار است و خدای سبحان جسم و روان زن را با وظیفه پیش بینی شده‌اش سازگار قرار داده است از این جهت در عالم خلقت جایگاه ممتازی بدست آورده است در قرآن می‌خوانیم: «نساءکم حرث لکم فأتوا حرثکم انسی شتم»^(۱۴) همسران شما محل بذر افشانی شما هستند بنابراین هر زمان که بخواهید می‌توانید با آن‌ها آمیزش نمایید.

در این آیه زنان به مزرعه تشبیه شده‌اند، ممکن است این تعبیر برای برخی دشوار به نظر برسد و بگوید که چرا قرآن مرد را زارع و زن را مزرعه دانسته که مرد هرگاه بخواهد بتواند از او بهره گیرد.

در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست بلکه وسیله‌ای است برای حفظ نوع بشر، این سخن برای آن‌ها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌نگرند هشدار می‌دهد محسوب می‌شود.

■ اهداف اصیل دانستن کارهای طبیعی

کارهای طبیعی انسان بر اساس انگیزه‌های مادی صورت می‌گیرد ولی در وراء این انگیزه‌ها اهداف اصیلی هست که قرآن کریم وی را به آن‌ها توجه می‌دهد و پیامدهای طبیعی اعمال را رهگذری برای آن اهداف می‌داند.

برای نمونه انگیزه طبیعی انسان از تحصیل

مواد خوراکی ریختن آن‌ها که کاری سنگین است رفع گرسنگی و لذت غذا خوردن است با آن انگیزه اصیل از خوردن غذا حفظ حیات فردی انسان است و خدای حکیم برای این که انسان رنج گردآوری و آماده سازی غذا را بپذیرد. انگیزه‌های در او ایجاد کرده و مزد کاری به او داده است و آن لذت بردن از خوردن غذاست و از این راه انسان با دست خود جان خود را حفظ می‌کند که هدف اصلی است.

خدای سبحان برای حفظ نوع و نسل آدمی که تلاش و رنج فراوان می‌خواهد همین گونه عمل کرده است و علاقمندی مرد به زن و فرزند را در نهاد او قرار داده است تا نسل انسان حفظ شود نه آن که زن فقط وسیله ارضای غریزه شهوت باشد.

ناگفته نماند خدای سبحان در این آیه در مقام بیان رابطه زناشویی و تبیین هدف اصیل آن است نه آن که در بیان حکمت آفرینش زن باشد.

■ نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث استفاده می‌شود که اولاً زن و مرد در اصل هدف خلقت با هم برابرند و به حکم این، انسان‌اند و هدف از آفرینش آن عبودیت الهی است و ثانیاً تمام موجودات و مخلوقات جهان هستی به طفیلی وجود انسان و برای خدمت به انسان‌ها آفریده شده‌اند و ثالثاً آفرینش زن در نظام هستی به عنوان مکمل وجود مرد و آفرینش مرد به عنوان مکمل وجود زن تحقق پیدا کرده است تا آن‌ها یکدیگر را تکمیل کنند و نه آن که وجود او تبعی و طفیلی بوده و برای خدمت به مرد آفریده شده باشد. و زابعاً اگر زن به عنوان کشتزار معرفی شده است در واقع در بیان تبیین هدف اصیل زناشویی است که نسل انسانی حفظ و تداوم پیدا کند نه آن که در مقام بیان هدف آفرینش زن باشد.

بی‌نوشت‌ها:

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.
۲. سوره ملک، آیه ۲.
۳. سوره طلاق، آیه ۱۲.
۴. سوره هود، آیه ۱۱۸ - ۱۱۹.
۵. سوره ذاریات، آیه ۶۵.
۶. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.
۷. سوره جاثیه، آیه ۱۲ و ۱۳.
۸. سوره ابراهیم، آیه ۳۳ و ۳۴.
۹. سوره الرحمن، آیه ۱۰ - ۱۳.
۱۰. سوره ملک، آیه ۱۵.
۱۱. سوره روم، آیه ۲۱.
۱۲. سوره اعراف، آیه ۱۸۹.
۱۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.
۱۴. سوره بقره آیه ۲۲۳.